

بسم الله الرحمن الرحيم

زبان قرآن

(ماهیت، هویت، جایگاه و آموزش آن)

دکتر ابوالفضل خوش منش
(عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)

دستیار پژوهش: سید حسام قریشی

تابستان ۱۳۹۸

درسمانگاه
علوم قرآن و حدیث

خوش‌منش، ابوالفضل، ۱۳۴۸ -
زبان قرآن: ماهیت، هویت، جایگاه و آموزش آن / ابوالفضل خوش‌منش؛ [برای] وزارت علوم تحقیقات و فناوری مرکز
هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸.
ده، ۲۰۴ص: نمودار. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۴۸۵: قرآن‌پژوهی؛ ۶۰)
بها: ۲۱۰۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه. ص. [۱۷۷] - ۱۹۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
۱. قرآن -- مسائل لغوی. ۲. Qur'an -- Language, Style. ۳. قرآن -- مسائل ادبی. ۴. Qur'an as literature.
۵. قرآن -- بررسی و شناخت. ۶. Qur'an -- Surveys. ۷. زبان‌شناسی. ۸. Linguistics. الف. ایران. وزارت علوم، تحقیقات
و فناوری. مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور. ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ج. عنوان.
BP۸۲/۲
۲۹۷/۱۵۳
شماره کتابشناسی ملی
۵۷۴۷۲۷۵



زبان قرآن؛ ماهیت، هویت، جایگاه و آموزش آن

مؤلف: دکتر ابوالفضل خوش‌منش

ناظر: دکتر علی شریفی

ویراستار: سعیدرضا علی‌عسگری

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: اعتصام

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۸

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۲۱۰۰۰ تومان

این اثر با حمایت مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور تدوین شده و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

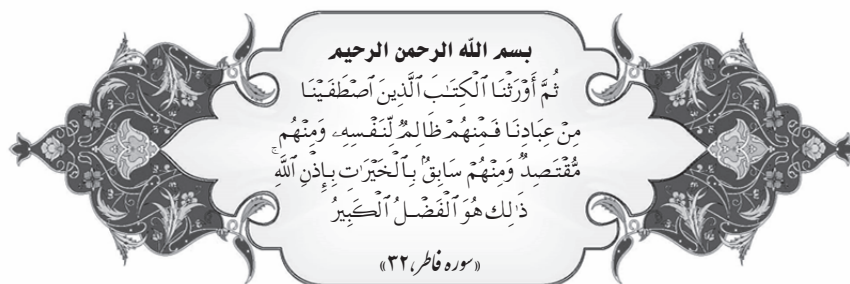
قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰

(انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) شماره: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۰۲۵-۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir info@rihu.ac.ir

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶



سخن مرکز

علوم قرآن و حدیث، رشته دیرپای دانشگاهی است که عزت انتساب آن به قرآن کریم و حدیث شریف موجب شده تا جامعه، انتظارات علمی، ارزشی و حتی عاطفی ویژه‌ای از آن داشته باشد. از این رو «مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور» با هدف تحول و تعالی نظام تولید علم و تربیت نیروی انسانی قرآنی متناسب با نیاز کنونی جامعه اسلامی، بازنگری و تجمیع برنامه‌های درسی دوره کارشناسی رشته علوم قرآن و حدیث را در دستور کار قرار داد.

انجام این مأموریت با مشارکت صاحب‌نظران علوم قرآن و حدیث و زمینه‌های مرتبط، پنج سال به طول انجامید که حاصل آن، برنامه درسی مشتمل بر ۱۰۰ واحد مشترک و شش مجموعه اختیاری ۳۵ واحدی با عناوین «مطالعات قرآن»، «مطالعات حدیث»، «تربیت دبیر آموزش قرآن و حدیث»، «تربیت مربی آموزش قرآن و حدیث»، «هنرهای قرآنی (قرائت و کتابت)» و «فرهنگ و رسانه» است.

نقشه راه این تحول ضروری می‌نمود که درسنامه‌های رشته نیز، طراحی و تدوین شود. این کار با شناسایی و جلب مشارکت استادان بسیاری از گروه‌های آموزشی کشور و با مدیریت «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» و «دانشگاه قرآن و حدیث» انجام شد.

این اقدامات، نخستین گام در ارتقای محتوا و انسجام درونی این رشته بود که بی‌گمان از نقص و نارسایی مبرا نیست. امید می‌رود این برنامه و درسنامه‌های آن مورد عنایت استادان و دانشجویان گرامی قرار گیرد و با نظرات مشفقانه و انتقال تجربیات اجرای آن، این مرکز را در بازنگری مجدد برنامه کارشناسی و بازطراحی مقاطع تحصیلات تکمیلی همراهی کنند.

مرکز هماهنگی و توسعه

پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظرگرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارآیی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۴۸۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به عنوان کتاب درسی در زمینه مطالعات قرآنی برای دانشجویان رشته علوم قرآن و حدیث و تفسیر در مقطع کارشناسی فراهم شده است؛ البته دیگر علاقه‌مندان به این زمینه تحقیقی نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌دانند از تلاش‌های نویسنده محترم اثر، دکتر ابوالفضل خوش‌منش و نیز از ناظر محترم اثر، دکتر علی شریفی سپاسگزاری کند.

همچنین از نقش حمایتی مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور و تلاش‌های اعضای محترم کارویژه مدیریت تدوین درسنامه‌های قرآنی و همه عزیزانی که در آماده‌سازی و انتشار این اثر نقش داشته‌اند؛ سپاسگزاری می‌شود.

فهرست مطالب

پیشگفتار ۱

فصل اول: مروری بر اوضاع شبه‌جزیره عربستان در عصر بعثت

مقدمه	۱۲
قشر فرهنگی در شبه‌جزیره	۲۰
۱. شاعران	۲۱
۲. کاهنان	۲۱
۳. خطیبان و سخنوران دیگر	۲۲
ظهور کلام خدا	۲۳
تمایز کلام خدا از شعر شاعران	۳۰
پرسش و پژوهش	۳۴

فصل دوم: جایگاه و نقش زبان در زندگی انسان

مقدمه	۳۵
برخی کاربردها و کارکردهای زبان در دنیای امروز	۳۶
۱. زبان، ابزاری برای اندیشه و ابراز آن	۳۷
۲. زبان، رابطی میان درون و برون	۴۱
۳. زبان، سنج‌ای برای هوش فردی و راه شناخت ذهنی	۴۲
۴. زبان، پایه فرهنگ جمعی و تفاهم و تحکیم روابط انسانی	۴۲
۵. زبان، مایه آفرینش‌های ادبی و هنری	۴۵
۶. زبان، ابزاری برای سلطه و نفوذ نرم	۴۶
۶-۱. نمونه‌های تاریخی نقش زبان در آماده‌سازی امنیت کشورها	۴۶
پرسش و پژوهش	۵۴

فصل سوم: تکوین زبان و برخی از ویژگی‌های آن

مقدمه	۵۵
موضوع پیدایش زبان در متون کهن	۵۸
تجلی خدا در «زبان»	۶۳
زبان، پدیده‌ای فطری	۶۴
مروری بر مفهوم فطرت	۶۴
مفهوم فطری بودن زبان	۶۶
جهانی‌های زبانی و زبان‌های جهانی	۷۳
پرسش و پژوهش	۷۸

فصل چهارم: زبان قرآن؛ تکوینی الهی یا بشری؟

مقدمه	۷۹
مراد از لسان مُبین	۸۲
سیمای زبان قرآن در آینه چهار سوره پیاپی	۸۵
سوره شعراء	۸۵
سوره نمل	۸۷
پژوهش کنید	۸۹
سوره قصص	۸۹
سوره عنکبوت	۹۰
یکی انگاری زبان قرآن و زبان عربی	۹۱
دو عامل تصوّر فضیلت برای زبان عربی	۹۶
۱. عامل سیاسی	۹۶
۲. عوامل زبانی	۹۸
جغرافیای نزول قرآن	۱۰۲
تأثیر زبان قرآن بر زبان و فرهنگ عربی	۱۰۸
نسبت زبان عربی با فهم قرآن	۱۱۴
پرسش و پژوهش	۱۱۶

فصل پنجم: برخی از ظرفیت‌های زبان قرآن در زمان حاضر

مقدمه	۱۱۹
زبان توحیدی	۱۲۰
فهم و کاربرد همگانی	۱۲۲
برتری از مرحله نزاع‌های زبانی و نژادی	۱۲۵
بهره‌مندی از ثبات و ماندگاری	۱۳۰
زبان ضمیر و اندیشه انسانی	۱۳۲

۱۳۷ زبان تمثیل انسانی
۱۴۱ پرسش و پژوهش

فصل ششم: موضوع آموزش زبان قرآن

۱۴۳ مقدمه
۱۴۴ زبان قرآن، پایه آموزش
۱۵۰ نظام اصطلاحات قرآنی، پایه بازتعریف مفاهیم دینی
۱۵۱ زبان قرآن و موضوع ترجمه آن
۱۵۷ آموزش زبان در کشور ما
۱۶۱ رویکرد زبان آموزانه به قرآن
۱۶۱ ذکر برخی اصول در آموزش زبان قرآن
۱۶۲ ۱. إقراء و استماع
۱۶۴ ۲. تصریف اجزای قرآن
۱۶۴ ۲-۱. تصریف کلمه‌ای
۱۶۵ ۲-۲. تصریف آیه‌ای
۱۶۵ ۲-۳. تصریف سوره‌ای
۱۶۶ ۳. آغاز از پایان قرآن
۱۶۸ ۴. سهولت و آسان‌گیری
۱۷۲ ۵. گفتن و نوشتن به زبان قرآن
۱۷۶ پرسش و پژوهش

منابع و مآخذ

۱۷۷ منابع فارسی و عربی
۱۸۹ منابع لاتین
۱۹۳ فهرست واژگان

نمایه‌ها

۱۹۵ نمایه آیات
۱۹۹ نمایه روایات
۲۰۱ نمایه اشعار
۲۰۲ نمایه اصطلاحات
۲۰۳ نمایه اشخاص

فهرست نمودارها، نقشه‌ها و جدول‌ها

- نمودار ۱: برخی از اشارات قرآن به موضوع خواندن و نوشتن در سالیان آغازین اسلام ۱۹
- نمودار ۲: قشرهای فرهنگی شبه‌جزیره عربستان هنگام نزول قرآن ۲۴
- نمودار ۳: برخی مقومات هنری در زبان قرآن ۳۳
- نمودار ۴: تأثیرپذیری جهان‌بینی کودک از زبان ۴۰
- نمودار ۵: زبان و دیگر عوامل کمکی به‌عنوان ابزاری برای سلطه و سیطره نرم ۵۱
- نمودار ۶: نمونه‌هایی از کارکردهای زبان در دنیای امروز ۵۳
- نمودار ۷: در هم تنیدگی تعلیم قرآن با دیگر امور ۵۷
- نمودار ۸: پدیده‌های مورد اشاره در آیات ۲۰-۲۵ و ۴۶ سوره روم ۶۵
- نمودار ۹: تعریف فطرت از نظر قرآن ۷۰
- نمودار ۱۰: تعریف فطرت از منظر اندیشه غیر دینی ۷۰
- نمودار ۱۱: نمونه‌هایی از ویژگی‌های هر انسان بر بستر اشتراک‌های جامعه بشری و شباهت‌های جهانی پدیده‌های یادشده ۷۶
- نمودار ۱۲: چرخه میان کتاب و کتاب‌مبین و قرآن عربی و حکم عربی ۸۴
- نمودار ۱۳: عوامل مؤثر در تلقی زبان عربی به‌عنوان زبان برتر در سده‌های نخستین ۹۸
- نمودار ۱۴: برخی عوامل وقوع ترادف در واژگان ۱۰۱
- نمودار ۱۵: برخی تأثیرات زبان قرآن بر فرهنگ و زبان عربی ۱۱۱
- نمودار ۱۶: عوامل مؤثر در تغییرات زبان ۱۳۱
- نمودار ۱۷: برخی ظرفیت‌های قرآن کریم ۱۴۷
- نمودار ۱۸: اصول بنیادین در آموزش زبان قرآن ۱۶۳
- نمودار ۱۹: ذکر اصول مهم در آموزش زبان قرآن ۱۷۶
- نقشه ۱: بخشی از کشورهای حوزه دریای مدیترانه و جغرافیای ظهور ادیان در ناحیه شرق آن ۱۰۴
- نقشه ۲: وسعت قلمرو عباسیان در حدود سال ۲۳۶ق ۱۲۴
- جدول شماره ۱: حضور مفهوم کلمه در متون مقدس برخی از ادیان ۶۳
- جدول شماره ۲: نمونه آیات مرتبط با موضوع آموزش قرآن ۱۶۲



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الرَّحْمَنِ ۝ عَلَّمَ الْقُرْآنَ ۝ خَلَقَ الْإِنْسَانَ ۝
عَلَّمَهُ الْبَيَانَ ۝ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ ۝
وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ ۝ وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ ۝

(رحمان، ۱-۷)



پیشگفتار

هدف کتاب پیش رو، بیان برخی ویژگی‌هایی است که زبان الهی قرآن را از زبان بشر متمایز و ممتاز می‌سازند؛ همچنین این کتاب به پاره‌ای از ظرفیت‌های بزرگی که این زبان در دنیای امروز دارد و جهان اسلام می‌تواند از آن بهره‌مند شود، اشاره می‌کند.

جایگاه و حضور حقیقت قرآن در امّ الکتاب و نزد پروردگار متعال، موضوع بحثی جداگانه است، اما ظاهر قرآن، چیزی جز زبان ندارد؛ همان‌گونه که اصل دریا به آب آن است؛ و اگر زبان قرآن از آن گرفته شود و برای نمونه، به زبان دیگری درآید، مانند آن است که آب از دریا گرفته شود، در این صورت البته چیزهایی در قعر آن باقی خواهد ماند.

از میان نام‌ها و تعبیرهایی که خداوند متعال برای کتاب خود – همچون قرآن، کتاب، ذکر، کلام و لسان – به کار برده، در کتاب پیش رو، بر جنبه اخیر، یعنی بر جنبه لسانی و زبانی آن توجه شده است. در برخی پژوهش‌های دینی ما، قرآن صرفاً به مثابه یک نص، معادل یک Text تلقی شده، دامنه نگرش به این کتاب از آن فراتر نرفته و بر ابعاد زبانی آن توجه نشده است.

تأکید بر جنبه لسانی و زبانی قرآن کریم از باب ضرورت و اهمیت تعلیم قرآن به مثابه یک زبان است تا از رهاورد و به مدد آن، شاکله زبان و بیان قرآن آموز فعال شود و قلب و اندیشه وی تحت تأثیر آن قرار گیرد. با نپیمودن این مسیر، قرآن کریم بسیاری از کارکردها و آثار خود را – آن‌گونه که در زمان رسول رحمت ﷺ و قرن‌های پس از ایشان بر مسلمانان ملیت‌ها و زبان‌های مختلف بر جای نهاد – نخواهد داشت و بر جای نخواهد گذاشت.

این کتاب برای مخاطبانی نگاشته شده که آشنایی نسبتاً خوبی با قرآن کریم دارند و هدف آن نیز وقوف بیشتر مخاطبان به ضرورت رجوع مستقیم به متن قرآن و بهره‌گیری از آن است؛ از این رو، اصراری بر افزودن بر حجم مطالب با ذکر ترجمه همه آیات وجود نداشته و در حد ضرورت به برداشت‌هایی از آیات با استفاده از نظر تفسیر المیزان اشاره شده است؛ در پاره‌ای موارد دیگر نیز به مضمون آیات در ضمن مطالب قبل یا بعد آنها اشاره شده است.

نکته مهمی که آوردن آن در اینجا لازم می‌نماید آن است که زبان قرآن همانند هر زبان دیگر، زمانی اثربخشی‌های مشروح خود را در این کتاب خواهد داشت که در آغاز درست آموزش داده شود و پس از آن و با نشستن بر ذهن و زبان، در بیان و بنان فراگیرنده آن جریان یابد. جاری شدن زبان قرآن بر ذهن و زبان مردمان، عاملی مؤثر و آسان در اصلاح معنویت و اخلاق انسان خواهد بود. چنین هدفی، وظیفه و اجر معلّم و متعلّم قرآن را سنگین‌تر می‌کند؛ از این رو، انتظار آن است که برخی بخش‌های کتاب پیش رو، براساس اقتضا، از سوی استادان ارجمند با عنایت و نظر بیشتر تدریس شوند و دانشجوی گرامی نیز از تلاوت قرآن در فرصت‌های مقتضی روز و شب^۱ غافل نباشد و آنچه را از قرآن کریم به تدریج به دست می‌آورد در متن زندگی، نماز، مناجات و نیز تحقیق، تفکر و تمثیلات خویش به کار گیرد.

نگارنده بر خود لازم می‌داند از بذل توجه استادان عزیز و دوستان ارجمندی که در این نگاشته نگریستند و به نکته‌های سودبخش و ارزشمندی اشاره کردند، صمیمانه تشکر کند؛ به‌ویژه برادر عزیز، آقای سیدحسام قریشی که از هیچ کوششی در نمونه‌خوانی و تصحیح‌های سخت و مکرر کتاب و نیز تهیه و تنظیم نمودارها، فهرست‌ها، نمایه‌ها و تطبیق و بررسی ارجاعات فرونگذاشت. جزاهم الله عن القرآن خیر الجزاء.

سازمان محتوا

جهت آشنایی بهتر با مفاهیم بنیادین این کتاب، در اینجا فشرده‌ای از محتوای آن در قالب گزاره‌هایی کوتاه می‌آید:

- قرآن در تعریفی کوتاه، کلام الله است. این تعریف جامع و مانع است. هیچ کتاب دیگری در جهان وجود ندارد که بتوان آن را کلام الله و سخن مستقیم خدا نامید؛ پیروان ادیان دیگر نیز چنین ادعایی درباره کتاب‌های مقدس خود ندارند؛

۱. آناء اللیل و اطراف النهار.



- تجلی قرآن برای انسان‌ها در قالب یک زبان است و کتاب پیش رو از کتاب خدا به‌مثابه یک زبان سخن می‌گوید و در تبیین دستاوردهایی می‌کوشد که از رهاورد نگاه به قرآن به‌عنوان یک زبان و کاربست آن، می‌تواند نصیب امت اسلامی و عائله بشری بشود. هر مجموعه‌ای، مثلاً یک رایانه، زبان خود را دارد و برای ارتباط‌گیری و استفاده از آن، باید خصوصیات آن زبان و نظام مناسبات آن را در نظر گرفت. زبان قرآن، خود دستگاه و مجموعه‌ای منحصر به فرد با نظامی ویژه درون آن است و باید این امر مهم را از آغاز تعامل با آن در نظر داشت؛
- قرآن، دارای ویژگی‌ها و اوصاف فراوانی است و روشن است که سخن گفتن از جنبه و وصفی از کلام خدا، نافی اوصاف دیگر آن نیست؛ قرآن به همان اندازه که یک زبان است، نور، هدی، شفا و رحمت هم هست. همه اشیا با نور شناخته می‌شوند و شناسایی خود نور نیز با نور حاصل می‌آید، زبان، پدیده‌ای است که معرفت در آینه آن حاصل می‌شود و وقتی نوبت به تعریف خود زبان برسد، آن را هم باید با زبان شناخت. این اوصاف درباره زبان خدا نیز که نور مطلق است، به طریق اولی صادق است؛
- قرآن کریم بنابر اشارت‌ها و تصریح‌های متعدد خود و از جمله آنچه در آیه ۱۷۴ سوره نساء و طلعه سوره زخرف آمده است، نور و حقیقت حاضر در أم الكتاب و علم خداوند متعال است و ذات الهی آن را به سوی زمین تنزیل کرده و فروفرستاده است. این کتاب، یک متن عادی و ایستا در گوشه‌ای از تاریخ و جغرافیا یا صرفاً مجموعه‌ای از گزاره‌ها نیست، بلکه کلام و آگاهی‌نامه خداوند خلاقِ علیم علام الغیوب در لباسِ زبانی درخور فهم و تحصیل برای عموم بشر است و البته این توان خدای بزرگ است که به زبان خود برای انسان و در قالب بیانی که خود به وی آموخته است، سخن بگوید و آنچه را او بدان نیاز دارد، در قالب یک متن زنده و منسجم و در حجم یک کتاب متوسط در اختیار وی قرار دهد تا دستگاه تکلم وی بتواند بدان گویا شود و دستگاه اندیشه و روح او نیز نیازهای خود را در گذر زمان و گستره مکان، در فضای آن بجوید. اجزای این کتاب، از الفاظ و عبارات تا آیات و سوره‌ها، براساس نظامی زنده و سیال که خداوند متعال در آن تعبیه کرده است، با هم ارتباط برقرار می‌کنند. این نظامی الهی و بنیانی مستحکم از تعهد و تضامن و تداعی مستمر است؛ به این معنا که اجزای مختلف این کتاب نسبت به یکدیگر ضمانت دارند و همواره، همدیگر را تبیین و تفسیر می‌کنند. تفسیر قرآن، بنابر تعالیم قرآن و اهل بیت، جز از خود قرآن به دست نمی‌آید؛

- این مانده و مأدبه الهی (خوان گسترده و ادبستان خداوند) زبانی پرلایه و پزیریت است که به تصریح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، عمق آن پایان نمی پذیرد و بر زیبایی های آن رنگ کهنگی نمی نشیند؛ سطوح مختلف این کتاب برای طبقات مختلف عائله بشری، به طور سهل و ممتنع، افاده و افاضه می کند. در سخن اهل بیت علیهم السلام برای سطوح مختلف و درجات دلالت این زبان آمده است: «کتاب الله علی أربعة أشياء: العبارة و الإشارة و اللطائف و الحقائق فالعبارة للعوام و الإشارة للخواص و اللطائف للأولیاء و الحقائق للأنبیاء»؛ احسانی^۱
- زبان از پنهانی ترین لایه های وجود انسان برمی خیزد و در عین حال به اعماق جان او نفوذ می کند، به صورت خودآگاه و ناخودآگاه، اندیشه وی را تحت تأثیر می دهد و فرهنگ و جهان بینی او را شکل می بخشد. امروزه تأثیرهای مستقیم و غیرمستقیم، دور و نزدیک و پیدا و پنهان زبان بر مقوله هایی همچون اندیشه، خلق و خو، فرهنگ، سبک زندگی، الگوی مصرف، اقتصاد، سلطه و سیاست و دیگر مظاهر تمدنی کمابیش آشکار است؛ زبان قرآن نیز اگر به شکل درست آموزش داده شود و جایگاه شایسته خود را در نظام های فکری و فرهنگی بیابد، می تواند نقش ها و کنش های اشاره شده را بیش از هر زبان دیگری با جوهره الهی و در هیئت انسانی همراه داشته باشد؛
- قرآن کریم از چندلایگی زبان، ژرفای بطون کلام، زیبایی های حقیقت مند بلاغت، موسیقی لطیف و انتلاف لفظ و معنا در حد کمال بهره برده، اما هیچ گاه به شعر نگراییده است؛ بن مایه شعر، خیال است و از مبالغه و تصریفات شاعرانه بهره می گیرد، اما تنزیل خداوند عزیز حکیم، از صناعات و مبالغه ها و احیاناً گزافه گویی های شاعران روزگار بی نیاز بوده و برکنار مانده است. قرآن به شعر نبودن خود تصریح و در عوض بر ماهیت انذار و احیاگری خویش تأکید می کند: «وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ * لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ» (یس، ۶۹-۷۰)؛
- قرآن قول فصل و سخن حق است و همه آنچه در دستگاه حق و باطل یا حقیقت و مجاز انسانی ممکن است در نظر آید، با آن سنجیده می شود و قرآن با مبدأ دیگری سنجیده نخواهد شد؛
- زبان خدای بزرگ، در عین حالی که قولی ثقیل است، قولی میسر و آسان شده نیز هست:

۱. احسانی، عوالی الالائی العزیزیه فی الاحادیث الدینیة، ج ۴، ص ۱۰۵.



«إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا» (مزمل، ۵)؛

«لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (حشر، ۲۱)؛

«وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُّذَكِّرٍ» (قمر، ۳۲)؛

«فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» (دخان، ۵۸).

- زبان قرآن - کلام الله - سخن خدا در کسوت زبان عربی است؛ اما این، یک زبان عربی ساخته شده در فضای عربستان و عربی مصطلح دیروز و امروز نیست. عرب معاصر نزول قرآن، با قرآن ارتباط گرفت و از آن بهره برد، اما به سبب آن سخن نمی گفت، چنان که عرب امروز نیز چنین شیوه‌ای ندارد. زبان قرآن، زبان مادری کسی نیست؛ دیگران، تعلقات گوناگونی به این زبان دارند، اما این زبان تعلقی به کسی ندارد؛ همچنین هیچ قومی و زبانی حقی بر این زبان ندارد، اما این زبان الهی بر زبان انسان حق دارد و آثار مستقیم و غیر مستقیم بسیاری بر زبان و اندیشه و دانش انسان نهاده است. اعراب عصر نزول - که دشمنان کینه‌ورزی از میان ایشان در برابر قرآن و رسول اکرم صلی الله علیه و آله صف‌آرایی کرده بودند - نتوانستند سوره‌ای به‌سان قرآن بیاورند، همان‌گونه که دوست و دشمن در گذر زمان، از چنین کاری ناتوان ماندند. همچنین صرف و نحو عربی پس از نزول قرآن تدوین شد و سخن و گویش گروه بسیاری از اعراب را به سلک قاعده و قانون کشید؛ رویش درخت صرف و نحو عربی پس از طلوع آفتاب قرآن بود و قواعد آن نیز به جهت اثرپذیری از گویش و اندیشه و زندگی اعراب، انطباق کاملی با زبان قرآن نیافت؛
- زبان قرآن، تأسیسی بی‌مانند در تاریخ زبان و اندیشه بشر بود. خطاب و گفتمان تمدنی قرآن از روز نخست، فراتر از محدودیت‌های قوم و قبیله و زمان و مکان بود. این زبان، به شرحی که خواهد آمد، زبان علم و زبان علمی اسلام در قرن‌های آغازین و سده‌های شکوفایی نسبی در جامعه اسلامی شد و امروز نیز زبان بین‌المللی اسلامی و انسانی تواند بود. زبان قرآن، چنان‌که اشاره شد، تعلق به قوم عرب تعلق نداشت، همان‌گونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خلق و خصلت‌های رایج اعراب را نداشت؛
- هر کتابی نیازمند معلم است و قرآن کریم، کتابی بود که از سوی خداوند متعال به معلمی به‌سان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اعطا شد، تا وی آن را بر قومی امی بخواند و ایشان را تزکیه و تطهیر کند و از امیّت و عصبیّت، ضلال مبین و حمیّت جاهلیّت به درآورد. همه چیز قرآن در گرو تعلیم

صحیح آن است و شیوه درست آموزش این کتاب، تنها از دل قرآن و سیره نبوی برون می‌آید. سرعت اثرگذاری و گستره و عمق تحول‌آفرینی هیچ کتابی در طول تاریخ، به مدد همان تعلیم صحیح نبوی، به‌سان قرآن نبود. این کتاب، قومی امّی را در زمانی کوتاه از وضعیتی بسیار نازل، به درجات ترقّی و تعالی رساند. اما این کتاب، صرفاً کتاب قومی امّی نیست، بلکه چنان‌که خود بارها تصریح کرده، کتاب اولوالألباب و عالمان اهل تذکّر و تفکّر است؛

- با همه دشمنی‌هایی که در طول قرن‌ها در برابر قرآن بروز یافت، زمان به نفع زبان مستحکم آن پیش رفت و هرچه دانش بشر شکوفاتر شد و پرسش‌های وی پهنا و عمق بیشتری یافتند، قرآن برای پاسخگویی در قامتی بلندتر از گذشته ظاهر شد، و گذر زمان چیزی از پرتو این زبان نکاست. قرآن امروز سیمایی رخشانتر از قرآن قرن پیشین دارد و به همین گونه، قرآن قرن پیشین، از قرآن قرن‌های پیشتر برای اولوالألباب درخشان‌تر است. قرآن از این نظر، همانند بسیاری از جهات دیگر، چونان خورشید است؛ و البته به تعبیر درست‌تر این خورشید است که به‌سان قرآن است. خورشید از دیرباز بر سر انسان‌ها می‌تابیده و مردم از آن نصیب می‌برده‌اند. هرچه زمان پیش رفته است - با وجود انواع اختراع‌های پیشرفته و جدید - قدر و قیمت خورشید به مدد رشد عقل بشر بیشتر جلوه‌گر گشته و شیوه‌های بهره‌گیری از آن نیز علمی‌تر و عمیق‌تر شده است؛

- قرآن از نخستین روزهای نزول، خاطر بسیاری از مُستمعان را به برخی جنبه‌های زبانی خود معطوف داشت. این جنبه در گذر زمان گاه چنان قوی بود که برای بسیاری، از قرآن چیزی جز زبان و فصاحت و بلاغت به همان معانی کلاسیک در نظرها نیاورد؛ به دیگر سخن، زبان قرآن در حدّ زیبایی‌های بلاغی (معانی و بیان و بدیع) باقی ماند؛ بی‌آنکه رهیافت‌های عمیقی به بطون این زبان در نظر باشد. اما در عصر حاضر که گاهی از آن به روزگارِ زبان و فلسفه زبان تعبیر شده و تلاقی زبان‌ها و اندیشه‌ها در آن بیش از گذشته‌ها در نظر قرار گرفته، زبان قرآن، در زمینه‌های فرهنگ، تمدن و اجتماع، توان و ظرفیت‌های بسیار مهم و گسترده‌تری برای عرضه و تبیین دارد. اغلب این ظرفیت‌ها مدّ نظر و محلّ توجه واقع نشده‌اند و کتاب حاضر می‌کوشد بر آنها مرور کند؛

- از زیبایی‌های بلاغی مورد اشاره در بالا و نیز از برخی ویژگی‌های دیگر قرآن، گاه با عنوان معجزه و اعجاز یاد می‌شود؛ از آنجا که این اصطلاح بحث‌برانگیز در قرآن نیامده است، کتاب حاضر از جنبه‌های اعجازی زبان قرآن سخن نمی‌گوید، بلکه آنچه هست به واقع



سخن از قرآنی است که خود قرآن معرفی می‌کند و عبارت از بیان و تبیان، مُبین و مُبیین، نور و هدایت، و شفا و رحمت است؛

- سخن گفتن از زبان قرآن به معنای از یاد بردن شکل مکتوب آن نیست. روشن است که یک زبان مهم جهانی، هم شکل شفاهی و هم صورت مکتوب خود را به طور دقیق دارد و این هر دو، هر یک به وقت خود در امر آموزش زبان به کار می‌آیند و تأثیر خود را می‌گذارند. قرآن نیز در حد اعلیٰ چنین است؛ کتابت قرآن از زمان آغاز نزول، با تأکید دقیق و محل مراقبت فرستاده خدا مواجه بود و با نوشت افزاری که به سهولت در دسترس قرار داشت، به انجام رسید. از این‌رو، جمع قرآن، توقیفی و ترتیب آیات و سوره‌های آن، همان ترتیب مورد نظر خداوند متعال و پیامبر اعظم است؛ این ترتیب، در امر آموزش زبان قرآن تأثیر دارد و برای انجام اصولی و اثرگذار این آموزش باید در جای خود لحاظ شود.

سرفصل درس و هدف‌های یادگیری

هدف کلی: آشنایی دانشجو با ماهیت زبان قرآن و تمایزها و توانایی‌های آن

هدف‌های یادگیری:

- کلیاتی اجمالی درباره مباحث مرتبط با زبان قرآن؛
- تأثیر مستقیم زبان بر دانش و اندیشه بشری؛
- زبان، به مثابه پایه و مایه فرهنگ و تمدن؛
- نگاهی به وضعیت فکری و فرهنگی جزیره العرب در زمان نزول قرآن؛
- وضعیت زبان عربی و پراکندگی لهجه‌های آن در زمان نزول قرآن؛
- زبان قرآن، نزول در محیطی بدوی با خطاب و گفتمانی جهانی؛
- تأثیر زبان قرآن بر جهان بینی و گشایش فکری و روحی اعراب و مسلمانان؛
- خدمت قرآن به زبان عربی و ترفیع و تقویت آن؛
- ویژگی‌های زبان قرآن از نگاه قرآن؛
- ویژگی‌های زبان قرآن از نگاه روایات پیامبر و اهل بیت (علیهم‌السلام)؛
- زبان قرآن، به مثابه حامی ثقل اصغر و پایه اندیشه دینی؛
- زبان قرآن، تنها نمونه زبان دینی مصون از تغییر در گذر زمان؛
- امکان ارتباط‌گیری نسل‌ها و طبقات مختلف جوامع انسانی با این زبان؛
- ترابط اجزای زبان قرآن، تصدیق بعضی با بعضی دیگر؛
- تفرّد و تمایزهای زبان قرآن از زبان عربی دیروز و امروز؛
- نمونه‌هایی از رهیافت‌های جدید به ظرفیت‌ها و توانایی‌های زبان قرآن در دوران معاصر.



وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ ﴿٢١٤﴾ وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢١٥﴾
فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٢١٦﴾ وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ﴿٢١٧﴾
الَّذِي يَرْسُلُ حِينَ تَقُومُ ﴿٢١٨﴾ وَتَقْلُبُكَ فِي السُّجُودِ ﴿٢١٩﴾ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٢٢٠﴾ هَلْ أَنْتُمْ عَلَىٰ مَنْ نَزَّلَ الشَّيْطَانُ ﴿٢٢١﴾
تَنْزِيلًا عَلَىٰ كُلِّ آفَاكٍ أَثِيمٍ ﴿٢٢٢﴾ يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثُرُهُمْ كَاذِبُونَ ﴿٢٢٣﴾ وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ ﴿٢٢٤﴾
أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ ﴿٢٢٥﴾ وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ ﴿٢٢٦﴾
إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ ﴿٢٢٧﴾
(شعراء، ٢١٤-٢٢٧)



فصل اول

مروری بر اوضاع شبه جزیره عربستان در عصر بعثت

اهداف آموزشی

دانشجو پس از خواندن این فصل قادر خواهد بود:

۱. قشرهای فرهنگی شبه جزیره هنگام نزول قرآن را وصف کند؛
۲. اشتباه‌های رایج در مقدار توانایی اعراب در زمینه خواندن و نوشتن را به گونه مستدل تصحیح کند؛
۳. با توجه به آیات و روایات، شیوه‌های مقابله مشرکان با نفوذ متن قرآن از سوی پیامبر و میزان توفیق ایشان را توضیح دهد؛
۴. تفاوت‌های قرآن با شعر را بیان کند.

مقدمه

قرآن کریم، حالت‌ها و اخلاقیات رایج پیش از نزول خود در جزیره العرب را با تعبیرهایی مانند «جاهلیت، اُمّیت، حمیت، ضلال مبین، علی شفا حفرة من النار»^۲ وصف کرده است؛ امیر مؤمنان علی (علیه السلام) درباره خلق و خوی ساکنان آن دیار در آن روزگار چنین گفته است:

جُفَاةَ الْجَاهِلِيَّةِ لَا فِي الدِّينِ يَتَفَقَّهُونَ وَلَا عَنِ اللَّهِ يَعْقِلُونَ؛^۳ قَدْ اسْتَهْوَتْهُمْ الْأَهْوَاءُ وَ اسْتَزَلَّتْهُمْ الْكِبْرِيَاءُ وَ اسْتَحَفَّتْهُمْ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ حَيَارَى فِي زَلْزَالٍ مِنَ الْأَمْرِ وَ بَلَاءٍ مِنَ الْجَهْلِ؛^۴ عَلَى شَرِّ دِينٍ وَ فِي شَرِّ دَارٍ.^۵

جاهلیت یک واژه مستحدث قرآنی برای نامیدن عصر پیش از نزول قرآن است. هرچند عین این لفظ تنها در سوره‌های مدنی آمده، اما شنیدنی این است که در سوره‌های مکی نیز پیامبران الهی، اعمال زشت و خلاف اخلاق قوم خود را جهالت‌ورزی خوانده‌اند؛^۶ قرآن در بیانی وسیع‌تر، نوع انسان را «ظُلُومًا جَهُولًا» (احزاب، ۷۲) می‌خواند، مگر اینکه کسی به مدد وحی و تعلیم و تربیت انبیای الهی خود را از آن مرتبه نازل دور کند و خویشتن را به درجه تزکیه و تطهیر نزدیک سازد.^۷ لفظ جاهلیت در احادیث نیز اشاره به حالت عرب قبل از اسلام و جهل ایشان به خدا، رسول و شریعت و نیز اصرارشان بر خوی تکبر، غضب و عصبیت دارد.^۸

۱. «إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ» (فتح، ۲۶).
۲. واقع بر لبه پرتگاه آتش؛ «وَ اذْكَرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا» (آل عمران، ۱۰۳).
۳. انسان‌هایی غرق در خشکی و جفاکاری که نه تعمقی در دین داشتند و نه تفکری از خدا (شریف رضی، نهج البلاغه، ص ۲۴۰).
۴. هوا و هوس‌ها ایشان را بر زمین زد و کبر و زیاده‌خواهی ایشان را از مرتبه انسانی پایین کشید و بدترین شکل جاهلیت، ایشان را بسی سبک‌مغز ساخت و در کارهای لرزان، لغزان و بلای عظیم نادانی، سرگردان بودند (همان، ص ۱۴۰).
۵. بر بدترین کیش و در بدترین سرا (همان، ص ۶۸).
۶. برای نمونه، لوط نبی (علیه السلام) قوم خود را چنین خطاب می‌کند: «وَ لَوْطَا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَ تَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَ أَنْتُمْ تُبْصِرُونَ * أ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ» (نمل، ۵۴-۵۵).
۷. چنان‌که نمونه‌هایی از دوری‌گزینی از آلودگی‌های جاهلیت و نزدیکی به درجات تطهیر را در میانه همین سوره می‌بینیم: «وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَ لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَ أَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَ آتِينَ الزَّكَاةَ وَ أَطِعْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمُ تَطْهِيرًا» (احزاب، ۳۳).
۸. ابن اثیر، النهاية فی غریب الحدیث و الأثر، ج ۱، ص ۳۲۳؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۱۳۰؛ برای اطلاعات بیشتر ر.ک: علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام، ج ۱، ص ۴۰.

شیوه زندگی و دارایی‌های ساکنان عربستان، حسرت و طمع کسی را برای تملک و تصاحب بر نمی‌انگیخت؛^۱ بیشتر ساکنان جزیره همنشینان ترس و هراس بودند؛ وحشت برای ایشان نه تنها میهمان ناخوانده‌ای نبود، بلکه مفهومی بود که به نوعی آن را برای خود ترجیح می‌دادند، زیرا این مفهوم به ایشان انس و آرامش می‌بخشید؛ انسی که خود از خلوت‌گزینی در دل صحراهایی که از آنها گذر زمان، مهارت و راه‌های آمد و شد فرا گرفته بودند، به دست آمده بود.^۲ ترس آلود بودن صحرا، اوهام جن و سختی‌های زندگی - به‌رغم بی‌آلایش بودنش - باعث شده بود که جنگ، ضمانتی برای معاش و به‌چنگ آوردن خواسته‌ها باشد، بلکه خود نوعی مهارت و ورزش و عادت به شمار آید که نباید فرونهاده شود و وسیله‌ای برای اثبات فخر و فضیلت به شمار رود. برای بسیاری از مردم آن روزگار، تیغ آختن و گردن افراختن، اسب تاختن و به داشته‌های دیگران دست یاختن، بسی نقدتر و شجاعانه‌تر از بر زمین تَنک نشستن و به آب اندک و محصول نسیه و ناچیز چشم دوختن بود. قبائل مختلف مترصد یکدیگر بودند تا در وقت مقتضی، کام خود را با هجوم و غارت روا سازند و انتقام‌های تمام ناشدنی خود را از حریفان بازستانند. مصایب دیگر همچون برادرکشی، کشتن فرزندان و زنده به گور کردن دختران، نزد برخی قبائل در کنار فقر و فساد بر فشار و دشواری کارها می‌افزود. در کنار معیشت جنگ افروزانه، گروهی در جنوب، شرق و واحه‌های منطقه حجاز مانند یشرب، خیبر، طائف و وادی القری به زراعت مشغول بودند و اهل مکه نیز از راه تجارت زندگی را سامان می‌دادند و از منافع آمد و شدهای موسم حج بهره‌مند می‌شدند.

در زمان نزول قرآن، قوم را زمامداری واحد و مقتدر در میان نبود تا کار ایشان را سامان دهد و سیاست‌مداری نبود تا امرشان را نظام و قوام بخشد. گو اینکه منازعات دیرینه و پیچیده قبیله‌ای نیز چنین مجالی را نمی‌دادند، چنان‌که خدای بزرگ، بر میزان مکننت سیاسی و نظامی و بهره‌مندی این قوم از مقوله «امنیت» چنین اشاره می‌کند:

۱. باقوری، تأثیر قرآن بر زبان عربی، ص ۲-۳. لشکرکشی ابرهه به سوی مکه نیز به دلیل خصوصیت اقلیم و مردمان آن دیار و به دست آوردن محصولات و گنجینه‌های قصرهای آن شهر نبود، بلکه علت لشکرکشی، وجود بیت‌الهی در زمان حضرت ابراهیم (علیه السلام) بود. ابرهه درصدد بود خدمتی به نجاشی پادشاه کند و حج عرب را به سوی عبادتگاهی بگرداند که خود، آن را در صنعا بنا کرده بود (ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۴۵).

۲. شوقی ضیف، تاریخ الأدب العربی: العصر الجاهلی، ج ۱، ص ۷۸-۷۹.

«وَأَذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَمُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ» (انفال، ۲۶).^۱

همچنان که اوضاع سرزمین‌های متمدن مجاور، یعنی ایران و روم نیز چندان نکو نبود و از حیث عقیده و جهان‌بینی و امر دستگاه دیانت و متولیان دین، به آفات شرک آلوده و به وهن و تباهی گراییده بود؛ تمدن‌هایی بزرگ که در عین عظمت و شکوه ظاهری، از روح الهی و انسانی تهی شده، برای ریزش و فروپاشی آماده می‌یافتند.

مکه، شهری تجاری و محل آمد و شد کاروانیان و زائران خانه خدا بود؛ زائرانی که از زمان حضرت ابراهیم علیه السلام آهنگ این خانه می‌کردند؛ خانه‌ای که یادگاری ماندگار از دعوت توحیدی ابراهیم خلیل بود؛ دعوتی که رنگ و رونق خود را از دست داده بود و نیاز به دعوتی جدید و جهانی سخت احساس می‌شد. بازرگانان نیز در رفت و آمدهای زمستانه و تابستانه خود، یا همان «رِحْلَةَ الشَّتَاءِ وَالصَّيْفِ» (قریش، ۲) میان شمال و جنوب این سرزمین راه می‌سپردند.

در باب اوضاع فرهنگی شهر مکه، دو غلط مشهور، اساس برخی داوری‌ها قرار گرفته‌اند که تصحیح آن لازم می‌نماید. اشتباه اول، آن است که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله، نوشت‌افزار معمولی (کاغذ) وجود نداشته، یا اینکه انواع نوشت‌افزارهای مناسب دیگر مانند قرطاس، ورق، تحریر، قماش و کاغذهای نرم و صاف که در مناطق مجاور عربستان استفاده می‌شده، در اختیار مسلمانان نبوده است. اشتباه مشهور دیگر، رواج نداشتن خواندن و نوشتن در مکه و مدینه است.

حق این است که هیچ یک از این نظریات مشهور، پایه محکمی ندارد. جواد علی، طی فصل‌های ۱۲۳ تا ۱۲۵ کتاب خود ذیل عناوین مربوط به کتابت و تدوین، دراسة و تدریس، کُتَّاب و علما، تصریح می‌کند که درباره موجود و معروف بودن کتابت و تدوین قبل از اسلام به دلیل وجود هزاران نبشته‌ای که از آن روزگاران بر جای مانده، هیچ اختلافی وجود ندارد. نکته شاخص‌تر در سخن او این است که این نبشته‌ها به لهجه‌های عربی متنوع نوشته شده‌اند و هیچ کدام لهجه و سبک قرآن را ندارد.^۲

این نکته، امروز روشن شده است که خط عربی ده‌ها سال پیش از بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از خط‌های معمول میان اعراب شام و یمن گرفته شده و به عربستان آمده است. همچنین، این نکته

۱. ر.ک: عامری، الإعلام بمناقب الإسلام، ص ۱۷۵-۱۷۷؛ تحلیل بیشتر در این باب، ر.ک: شهیدی، تاریخ تحلیلی اسلام، ص ۱-۲۵.

۲. ر.ک: علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام، ج ۸، ص ۲۴۸-۳۳۵.

نیز ثابت است که خط در شام، یمن، حجاز و عراق رواج داشته و حتی بیابان‌نشینان نیز به کلی از توان خواندن و نوشتن محروم نبوده‌اند. از این‌رو، افسانه‌های منقول در برخی کتاب‌های عربی مانند العقد الفرید^۱ درباره پیدایش خط عربی و رسیدن آن به حجاز و رواج نیافتن آن و نیز انگشت‌شمار بودن افراد خوانا و نویسا، دیگر جایگاه درستی ندارند. کاتسانی^۲ در کتاب تاریخ اسلام، در فصل پیدایش خط عربی و گسترش آن، با استناد به تحقیقات و کشفیات باستان‌شناسی، حق این مطلب را ادا کرده است.

آری، از یک سو، تکیه بر حافظه برای خواندن قصیده‌های طولانی و ذکر انساب و ایام عرب، یک مهارت و توانایی محسوب می‌شد؛ از سوی دیگر نوشتن نمی‌توانست وسیله معاش و مکانت مهمی در میان قوم محسوب شود. درست است که تکیه بر نوشته برای خواندن قصیده‌ها و نقل انساب و ایام و خوانا و نویسا بودن، مهارتی را رقم نمی‌زد، اما اینکه کسی از مردم با این مهارت آشنا نبود، سخن صحیحی نیست.

سرزمین عربستان و شهرهای مکه و مدینه، محیط‌هایی بازرگانی داشتند و با سرزمین‌های پیشرفته مجاور خود، همانند امپراتوری ایران در شمال شرق، روم در شمال و قبط یا مصر در غرب، در ارتباط بودند. مکه به‌طور ویژه، نقطه اتصال و حلقه ارتباط میان نواحی مختلف جزیره‌العرب و دیگر ممالک بود. بازارهایی در این شهر تشکیل می‌شدند که تازیان از نواحی مختلف با اهداف گوناگون به آنها روی می‌آوردند و معمولاً با خط، خواندن و نوشتن آشنایی داشتند. آیات متعددی در قرآن نیز به مسافرت‌های مختلف مردم مکه به یمن و شام اشاره کرده‌اند.^۳ یمن، مرکز تمدن عربی در جزیره‌العرب به شمار می‌رفت و شام نیز مرکز تجمع

۱. ابن عبد ربّه، العقد الفرید، ج ۳، ص ۲۰۲؛ در این زمینه همچنین ر. ک: بلاذری، فتوح البلدان، ج ۳، ص ۵۸۰؛ بلاذری در کتاب اخیر تعبیری از واقده نقل می‌کند که حاوی اشاره به تعدد افراد باسواد در میان قریش است، به طوری که شمار این افراد با احتساب افراد قبائل دیگر می‌تواند فزونی یابد: «دخل الإسلام و فی قریش سبعة عشر رجلاً كلهم یكتب: عمر بن الخطاب و علی بن ابی طالب و عثمان بن عفان و ابو عبیده الجراح و طلحة و یزید بن ابی سفیان و [...]».

۲. Leone Caetani (۱۸۶۹-۱۹۳۵)، تاریخ‌نگار ایتالیایی و صاحب پژوهش‌هایی درباره تاریخ عرب و اسلام از جمله تاریخ اسلام Annali dell'Islam در ده جلد است.

۳. «لایلاف قریش * ایلافهم رحلة الشتاء و الصيف» (قریش، ۱-۲) و نیز «وَ اِنَّكُمْ لَتَمُرُونَ عَلَيْهِمْ مُصْبِحِينَ * وَ بِاللَّيْلِ اَفْلا تَعْقِلُونَ» (صافات، ۱۳۷-۱۳۸).

فنیقی‌ها بود که خود خط و حروف مصری را به حروف هجا تبدیل کرده و در پیدایی خط‌های جدیدتر نقش آفرین بودند.^۱

نقش و نگارهای متعدد و یادگارهای نوشته شده بر روی بسیاری از سنگ‌های جنوب، مرکز و شمال شبه جزیره عربی به زبان‌های مختلف سامی به چشم می‌خورند که از نویسندگان حرفه‌ای و غیر حرفه‌ای، از چوپانان گرفته تا کاروانیان آن روزگاران بر جای مانده است. مضمون این نوشته‌ها عبارت‌اند از نام خدایان قبائل و تصریح به آنها برای جلب حمایت آنان، ذکر قربانیان تقدیم شده به پیشگاه خدایان، نگارش نام و اعمال و عشیره‌های مردگان و درج برخی قوانین و شرایع بر جای مانده از نیاکان ایشان.

پژوهش کنید

به احتمال آیات زیر را بارها شنیده‌اید؛ این آیات را که مربوط به عهد مکی‌اند، یک بار دیگر با در نظر گرفتن آنچه گفته شد، قرائت کنید و درباره نوشت افزارهای عصر نزول قرآن مقاله‌ای بنویسید و در کلاس ارائه دهید:

- «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ * اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق، ۱-۵)؛
- «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ» (قلم، ۱)؛
- «يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدَّا عَلَيْنا إِنَّا كُنَّا فاعِلِينَ * وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء، ۱۰۴-۱۰۵)؛
- «وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قُرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُؤَمِّينٌ» (انعام، ۷)؛
- «وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ عَلَيَّ بَشِيرًا مِنْ سَمَاءٍ قُلْ مَنْ أَنزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَهُدًى لِلنَّاسِ لِيَجْزِلُوهُ قِرَاطِيسٍ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا وَ عَلَّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَ لَا آبَاؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ نَزَّلَهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ * وَ هَذَا كِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لِنُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» (انعام، ۹۱-۹۲).

۱. در این زمینه ر.ک: عدنان داوودی، زید بن ثابت: کاتب الوحی و جامع القرآن، ص ۵۴.

از سوی دیگر، حیات تجاری و شکوفایی موجود در حجاز، عاملی برای به‌کارگیری خط بود. با توجه به اسناد موجود، شکی نیست که خطِ عربی در شمال حجاز از خطِ نبطی اخذ شده، در آنجا نشئت گرفته و تطور یافته و شکل نهائی خود را در اوائل قرن ششم میلادی به دست آورده است.^۱ در کنار این مسائل، شماری از یهودیان و مسیحیان از سرزمین‌های اطراف به عربستان کوچیده بودند که توان خواندن و نوشتن کتاب‌ها و نوشته‌های دینی خود را داشتند^۲ و مراکز ایشان با نام‌هایی همچون بیتِ هَسْفِر^۳ یا بیتِ هَمیدراش^۴ به معنای «خانه کتاب» یا «مدرس» شناخته شده بود. پیامبر اکرم ﷺ پس از هجرت به مدینه و مشاهده اندکی کسانی که مهارت خواندن و نوشتن داشتند، در نخستین اقدام به عبدالله بن سعد بن امیه دستور داد تا خواندن و نوشتن را به مردم آموزش دهد.^۵ تلاش پیامبر بر آموزش این مهارت‌ها پس از جنگ بدر نیز مشهود است. در پایان این جنگ، شصت تن از مشرکان مکه به اسارت درآمدند و یکی از راه‌های آزادی آنان، آموزش خواندن و نوشتن به ده نفر از صحابه تعیین شد.^۶

فراء معتقد است مُراد از لفظ «امّی» در قرآن، غیر اهل کتاب است؛ چراکه به نظر او اهل کتاب صفتی برای یهودیان و مسیحیان به شمار می‌آمده است و قرآن با آوردن لفظ امّی، به همه کسانی که صاحب کتاب نبودند، اشاره می‌کند^۷ و تعریضی آشکار به یهودیان مدّعی می‌زند که آمدن پیامبری از میان غیر خویش را خوش نمی‌داشتند و بر نمی‌تافتند.

ابن ابی عمیر – که از اصحاب اجماع است – به طریق خود از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند که قوم «امّی» که خدای بزرگ از ایشان در سوره جمعه یاد می‌کند، کسانی بودند که قادر به نوشتن بودند، ولی با ایشان کتابی از جانب خداوند نبود و پیامبری به سوی ایشان مبعوث نشده بود:

«كَانُوا يَكْتُبُونَ وَ لَكِنْ لَمْ يَكُنْ مَعَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ لَا بَعَثَ إِلَيْهِمْ رَسُولًا فَتَسَبَّهُمُ اللَّهُ إِلَى الْأُمِّيِّينَ».^۸

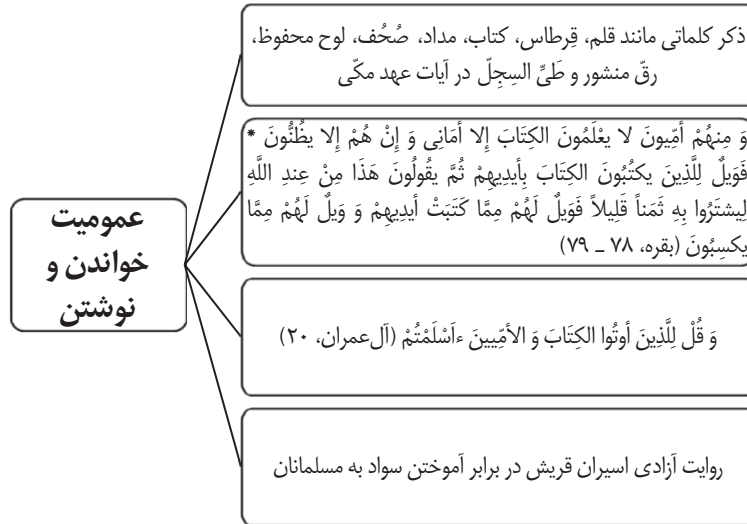
۱. شوقی ضیف، تاریخ الأدب العربی: العصر الجاهلی، ج ۱، ص ۳۲-۳۵.
۲. ر.ک: علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام، ج ۸، ص ۲۹۱-۲۹۴.
۳. بیت הספר.
۴. בית המדרש.
۵. ر.ک: عدنان داوودی، زید بن ثابت: کاتب الوحی و جامع القرآن، ص ۸۴.
۶. ر.ک: زرقانی، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۶۴.
۷. علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام، ج ۱۵، ص ۹۱-۹۲.
۸. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹، ص ۲۴۳.

امام صادق علیه السلام نیز این حدیث مهم را از امیر مؤمنان علیه السلام روایت می‌کند که در آن، امی، دقیقاً به معنای کسی است که از کتاب، فرستنده آن و پیامبری که آن کتاب را آورده، بی‌خبر است. این حدیث همچنین متضمن تصویرهای گویایی از حال مردم در عصر بعثت است که داده و آورده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را برای ایشان تبیین می‌کند و روشن می‌سازد که آنچه خاتم پیامبران الهی برای ایشان آورد، چیزی از مقوله نهضت سوادآموزی نبود:

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَرْسَلَ إِلَيْكُمْ الرَّسُولَ وَ أَنْزَلَ إِلَيْهِ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَأَنْتُمْ أُمِّيُونَ عَنِ الْكِتَابِ وَمَنْ أَنْزَلَهُ وَعَنِ الرَّسُولِ وَمَنْ أَرْسَلَهُ عَلَيَّ حِينَ فَتْرَةٍ مِنَ الرَّسْلِ وَ طَوَّلَ هَجْعَةَ مِنَ الْأَمَمِ وَ إِنْسِاطٍ مِنَ الْجَهْلِ وَ إغْتِرَاضٍ مِنَ الْفِتْنَةِ وَ إِنْتِقَاضٍ مِنَ الْمُبْرَمِ وَ عَمَى عَنِ الْحَقِّ وَ إغْتِسَافٍ مِنَ الْجُورِ وَ إِمْتِحَاقٍ مِنَ الدِّينِ وَ تَلَطُّ مِنَ الْخُرُوبِ عَلَيَّ حِينَ إِصْفِرَارٍ مِنْ رِيَاضِ جَنَّاتِ الدُّنْيَا وَ يُبْسٍ مِنْ أَغْصَانِهَا وَ إِنْتِثَارٍ مِنْ وَرَقِهَا وَ يَأْسٍ مِنْ ثَمَرِهَا وَ إِغْوَارٍ مِنْ مَائِهَا قَدْ دَرَسَتْ أَعْلَامُ الْهُدَى فَظَهَرَتْ أَعْلَامُ الرَّدَى فَالْدُّنْيَا مُتَهَجِّمَةٌ فِي وَجْهِ أَهْلِهَا مُكْفَهَرَةٌ مُدْبِرَةٌ غَيْرُ مُقْبِلَةٍ ثَمَرُهَا الْفِتْنَةُ وَ طَعَامُهَا الْحَيْقَةُ وَ شِعَارُهَا الْخَوْفُ وَ دِنَارُهَا السَّيْفُ مُرْتَقِيهِمْ كُلُّ مُمَرَّقٍ وَ قَدْ أَغْمَتِ عُيُونَ أَهْلِهَا وَ أَظْلَمَتِ عَلَيْهَا أَيَّامُهَا قَدْ قَطَّعُوا أَرْحَامَهُمْ وَ سَفَكُوا دِمَاءَهُمْ وَ دَفَنُوا فِي التُّرَابِ الْمَوْدَةَ بَيْنَهُمْ مِنْ أَوْلَادِهِمْ يَجْتَازُ دُونَهُمْ طَيْبُ الْعَيْشِ وَ رَفَاهِيَةُ خُفُوضِ الدُّنْيَا لَا يَرُجُونَ مِنَ اللَّهِ ثَوَاباً وَ لَا يَخَافُونَ وَ اللَّهُ مِنْهُ عِقَاباً حَيْثُهمُ أَعْمَى نَجِسَ وَ مَيِّتُهُمْ فِي النَّارِ مُبْلِسٌ فَجَاءَهُمْ بِنُسْخَةٍ مَا فِي الصُّحُفِ الْأُولَى وَ تَصَدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ تَفْصِيلَ الْحَلَالِ مِنَ رَيْبِ الْحَرَامِ. ذَلِكَ الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطِقُوهُ وَ لَنْ يَنْطِقَ لَكُمْ أَحَبُّكُمْ عَنْهُ إِنَّ فِيهِ عِلْمَ مَا مَضَى وَ عِلْمَ مَا يَأْتِي إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ حُكْمَ مَا بَيَّنَّكُمْ وَ بَيَّانَ مَا أَصْبَحْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ فَلَوْ سَأَلْتُمُونِي عَنْهُ لَعَلَّمْتُكُمْ»^۱.

قرآن کریم به توانمندی اهل کتاب در زمینه خواندن و نوشتن تصریح کرده است و در عین حال، آنها را با آنکه کتاب را با دستان خود می‌نوشتند، امی معرفی کرده است. این تصریح قرآن به خوبی نشان می‌دهد که آن افراد هم توانایی خواندن و نوشتن داشتند و هم اینکه کلمه «امی» به معنای «بی‌سواد» نبوده است.

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۶۰-۶۱.



نمودار ۱: برخی از اشارات قرآن به موضوع خواندن و نوشتن در سالیان آغازین اسلام

دلیل روشن‌تر آن است که قرآن کریم در آیات بسیاری، از آیات آغازین عهد مکی گرفته تا آیات سال‌های مدنی، مردم را به خواندن و نوشتن توجه داده است و از آنها می‌خواهد انواع معاملات خود اعم از نقد و نسیه و کوچک و بزرگ را ثبت و ضبط کنند.^۱

قرآن، آموختن خداوند به انسان با قلم را به‌سان نعمتی معهود و مشهود به او یادآور می‌شود. به قلم سوگند یاد می‌کند، از قِرطاس،^۲ کتاب،^۳ مداد، صُحُف و ترکیباتی مانند کتاب مسطور، کتاب مرقوم، لوح محفوظ، رَق منشور، طَيِّ السِّجَل و نمونه‌های دیگر یاد می‌کند که یادآور

۱. دروزه، تاریخ قرآن، ص ۴۵-۴۷.

۲. قِرطاس، مشتق از یونانی، معادل Charta (لاتین) به معنای کاغذ است. این واژه پیش از اسلام، در منطقه‌ای تجاری و پررفت و آمد شبیه مکه شناخته شده بود و واژگان دیگری نیز از آن در زبان‌های مختلف پدید آمده‌اند. از آن جمله در فرانسه واژگان Carte, Cartouche, Cartable, Encarter, Écarter Carton, در ایتالیایی واژه Cartello و در انگلیسی واژه Card. در این زمینه ر.ک: معلوف، المنجد فی اللغة العربية المعاصرة، ص ۱۱۴۳؛

Dubois, Mitterrand et Dauzat, *Grand dictionnaire étymologique et historique du français*, p. 166-167; Skeat, *Concise dictionary of English etymology*, p. 68.

۳. ر.ک: علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام، ج ۸، ص ۲۵۶-۲۹۰.

کاغذ، ورق و مجموعه‌های به هم پیوسته‌ای هستند که برای ثبت و ضبط انواع نوشته‌ها به کار می‌رفته‌اند و طومارهای باز و نیز طومارهایی که پیچیده می‌شوند؛ همچنان که در آیه ۲۹ سوره جاثیه^۱ از استسناخ و ثبت و ضبط دقیق نوشتار سخن می‌گوید.

اگر قرار بود مخاطبان قرآن این اشیا و اعمال را شناسند، می‌باید به سراغ پیامبر ﷺ بیایند و از او درباره این موضوع‌ها و مفهومی‌های غریب و ناشناخته پرسش کنند. همچنین کاربرد این اشیا و مجهول و سوگند یاد کردن به آنها خلاف بلاغت تلقی می‌شد و از روزهای نخست تا قرن‌های بعد، راه طعن را بر دشمنان سخن‌شناس، فرصت طلب و کینه‌توز قرآن می‌گشود تا بر این کتاب خرده بگیرند که چرا چنین روشی را اتخاذ کرده و از چیزهایی سخن رانده که مخاطب، آنها را نمی‌شناسد.

گذشته از آیات قرآنی و نقل‌های تاریخ کتابت، احادیثی از پیامبر ﷺ وجود دارند که به نحوه تراشیدن قلم، درست کردن لایقه مرکب و نحوه ثبت حروف اعم از سین، میم و طریقه زیانگاری کلمات الله، رحمان و رحیم، گذاشتن قلم بر روی گوش چپ^۲ و استفاده از رنگ مرکب (جوهر) برای نگارش قرآن^۳ اشاره کرده‌اند که علامه مجلسی، پاره‌ای از آنها را در باب فضیلت کتابت مصحف، انشا و آداب آن آورده است. علامه حسن‌زاده آملی نیز در بیانی آورده است:^۴

خداوند فرمود: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ» [جمعه، ۲]، نه تنها مردم آن روز امی بودند، بلکه همیشه رسول الله در میان امیین مبعوث است. اگر اجتماعی از نوابغ دهر و نوادر روزگار و صاحبان افکار که گردنه‌های علمی را گذرانند، امثال فارابی، کندی، ابن سینا، علامه حلّی، خواجه نصیر و ملاصدرا تشکیل شود، پیغمبر خاتم در میان چنین اجتماعی باز در میان امیین مبعوث است. این نوابغ خود به چنین حقیقتی گواهی خواهند داد؛ چه، اینان از اشراقات و افاضات منطلق وحی رسول امی از قوه به فعل رسیده و از امثال روزگار شده‌اند.^۵

قشر فرهنگی در شبه جزیره

در هر جامعه‌ای قشری وجود دارد که نسبت به عموم مردم به نوعی قشر فرهنگی محسوب

۱. «هَذَا كِتَابُنَا يُنطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنْ أَنْ كُنَّا نَسْتَسْخِجُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ».

۲. عاملی، منیة المرید فی ادب المفید و المستفید، ص ۳۵۰.

۳. حمیری، قرب الأسناد، ص ۲۹۵. ۴. ر. ک: مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۳۴-۳۵.

۵. حسن‌زاده آملی، مجموعه مقالات، ص ۷۲ (با تلخیص).